

فصل دهم

امور اجتماعی

یکی از مهمترین موفقیت های کشور در زمینه مسائل جمعیتی در سالهای اخیر، کاهش نرخ رشد جمعیت می باشد، که تحت تاثیر روند نزولی نرخ باروری زنان قرار داشته است. اثرات رشد قابل توجه جمعیت در دهه نخست انقلاب اسلامی پس از سپری شدن حدود دو دهه و ورود کودکان دهه مزبور به دوران جوانی، در قالب گسترش مطالبات و تقاضاهای اجتماعی اقشار جوان جامعه متجلی گردیده است. تغییرات ساختار سنی جمعیت، الزامات و نیازهای جدیدی در ارتباط با تقاضاهای اجتماعی از قبیل آموزش (عمومی و عالی)، بهداشت و مهمتر از همه ایجاد اشتغال پایدار را مطرح نموده است. بهبود شاخصهای آموزشی، بهداشتی و توزیع درآمد حاکی از توجه ویژه به مسائل اجتماعی در سالهای اخیر بوده است. همچنین در جهت پاسخگویی به عرضه شتابان نیروی کار، اقدامات ویژه ای در ارتباط با بسیج منابع و امکانات بالفعل و بالقوه کشور نظیر استفاده از وجوه اداره شده، استفاده از منابع موضوع ماده ۵۶ قانون برنامه سوم، اعطای تسهیلات از محل حساب ذخیره ارزی و موارد دیگر صورت گرفته، که اقدامات مزبور افزایش تقاضا برای نیروی کار و کاهش نرخ بیکاری را بدنبال داشته است.

جمعیت و نیروی انسانی

در سال ۱۳۸۲ جمعیت کل کشور با نرخ رشدی معادل ۱/۶ درصد نسبت به سال قبل به ۶۶۷ میلیون نفر بالغ گردید که این رشد در مقایسه با سال قبل ۰/۱ واحد درصد کاهش داشت. در سال مورد بررسی از کل جمعیت، ۶۵/۸ درصد در مناطق شهری و ۳۴/۲ درصد در مناطق روستایی ساکن بودند که در مقایسه با سال قبل جمعیت شهری ۰/۶ واحد درصد افزایش و جمعیت روستایی به همین میزان کاهش داشت. تمایل به مهاجرت و استقرار در شهرهای بزرگ که دارای بازارکار متنوع تر و درآمدهای مورد انتظار بالاتر می باشند، باعث کاهش جمعیت روستایی و متراکم تر شدن جمعیت در شهرهای بزرگ شده و شهرهای بزرگ را با بسیاری از کاستی ها و نارسائیهای زیست محیطی و خدماتی پیش بینی نشده مواجه نموده است.

در این سال جمعیت کمتر از ۲۰ و ۲۵ ساله به ترتیب ۴۳/۳ و ۵۵/۳ درصد از کل جمعیت را تشکیل داد. به طوری که ضریب جوانی جمعیت (نسبت جمعیت زیر ۱۵ سال به کل جمعیت) ۲۹/۷ درصد بود. به این ترتیب تقریباً از هر ۳ نفر جمعیت کشور یک نفر به گروه سنی زیر ۱۵ سال تعلق داشت و بیش از نیمی از جمعیت کشور زیر ۲۵ سال بودند. این ترکیب هرم سنی جمعیت عمدتاً متأثر از افزایش قابل توجه زاد و ولد در دهه نخست انقلاب اسلامی از یک سو و کاهش نرخ مرگ و میر کودکان از سوی دیگر می باشد. شایان ذکر است ضریب جوانی جمعیت در سالهای اخیر روندی کاهنده داشته که ناشی از سیاستهای کنترل جمعیت در این سالها می باشد.

ترکیب سنی جمعیت			(درصد)
۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	گروههای سنی
۲۹/۷	۳۰/۸	۳۱/۹	جمعیت جوان (زیر ۱۵ سال)
۶۵/۶	۶۴/۵	۶۳/۳	جمعیت (۱۵-۶۴ سال)
۴/۷	۴/۷	۴/۸	جمعیت سالخورده (۶۴ به بالا)
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	کل جمعیت

در سال مورد بررسی جمعیت فعال اقتصادی با رشدی معادل ۲/۹ درصد نسبت به سال قبل به ۲۱/۰ میلیون نفر افزایش یافت. این افزایش ناشی از رشد فوق العاده جمعیت در دهه ۱۳۶۰ می باشد که در حال حاضر بازار کار کشور را تحت تاثیر قرار داده

است. از جمعیت فوق‌الذکر ۱۳/۵ میلیون نفر آن را جمعیت فعال شهری و ۷/۵ میلیون نفر بقیه را جمعیت فعال روستایی تشکیل می‌دهد. شایان ذکر است نظر به اینکه نرخ رشد جمعیت تاثیر خود را با تاخیر زمانی بر جمعیت (۶۴-۱۵) ساله گذاشته و نرخ رشد جمعیت در دهه گذشته از رقم بالایی برخوردار بوده است لذا اثرات این نرخ رشد بالا در افزایش جمعیت (۶۴-۱۵) ساله در سالهای اخیر منعکس گردیده است. به طوری که سهم جمعیت (۶۴-۱۵) ساله کشور از ۶۳/۳ درصد (۴۰۸۹۰ هزار نفر) در سال ۱۳۸۰ به ۶۴/۵ درصد (۴۲۳۲۶ هزار نفر) در سال ۱۳۸۱ و ۶۵/۶ درصد (۴۳۷۴۶ هزار نفر) در سال ۱۳۸۲ افزایش یافته و این افزایش سبب شدت گرفتن تقاضای کار در کشور گردیده است.

در سال مورد گزارش، نسبت عمومی فعالیت^(۱) در کل کشور از ۳۱/۱ درصد طی سال ۱۳۸۱ به ۳۱/۵ درصد در سال ۱۳۸۲ رسید. در سال ۱۳۸۲ بار تکفل^(۲) از ۲۷۵ نفر در سال قبل به ۲۶۷ نفر در این سال کاهش یافت. به این ترتیب در سال مذکور هر ۱۰۰ نفر جمعیت شاغل متکفل ۲۶۷ نفر جمعیت غیرشاغل بوده است.

بازار کار

بر اساس مستندات برنامه سوم توسعه، هدف برنامه ایجاد ۷۶۵ هزار فرصت شغلی جدید بطور متوسط در سال در طول سالهای اجرای برنامه است. در این برنامه درخصوص عرضه نیروی کار دو سناریوی حداکثر و حداقل عرضه نیروی کار مطرح گردیده است. بر اساس سناریوی حداکثر، کاهش نرخ بیکاری از ۱۶ درصد در سال ۱۳۷۸ به ۱۲/۶ درصد در پایان برنامه مد نظر قرار گرفت. از این رو در برنامه مذکور پیش بینی شده که در مجموع حدود ۳/۸ میلیون فرصت شغلی جدید طی سالهای ۸۳-۱۳۷۹ ایجاد گردد. بر اساس برآورد سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، متوسط سالانه افزایش عرضه و تقاضای نیروی کار طی سالهای ۸۲-۱۳۷۹ به ترتیب حدود ۶۴۱ و ۵۳۶ هزار نفر بود. این ارقام در مقایسه با ارقام متناظر پیش‌بینی شده در برنامه که به ترتیب ۷۳۵ و ۷۶۵ هزار نفر است، کمتر می باشد.

فزونی عرضه نیروی کار بر تقاضای آن و تعمیق شکاف موجود، وجود مشکلات ساختاری از بعد عرضه در اقتصاد، ضعف سرمایه‌گذاری، وجود نارسائیهای در زمینه قوانین مرتبط با بازار کار و انعطاف ناپذیر بودن برخی از این قوانین و مقررات از جمله چالشهای بازار کار می‌باشند. به این ترتیب بهبود وضعیت اشتغال و کاهش نرخ بیکاری در کشور با توجه به ماهیت ساختاری این پدیده، مستلزم سیاستها و اصلاحات ساختاری است. افزایش سرمایه‌گذاری و تولید، ثبات سیاستهای کلان اقتصادی، اصلاح پاره‌ای از قوانین و مقررات ناظر بر بازار کار نظیر قوانین کار و بیمه بیکاری به همراه سیاستهای معطوف به عرضه کار می‌تواند نقش موثری در تعادل عرضه و تقاضای نیروی کار کشور ایفا نماید.

بر اساس آمار مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری کل کشور در بهمن ماه سال ۱۳۸۲ معادل ۱۱/۳ درصد بود که نسبت به رقم مشابه سال قبل ۰/۹ واحد درصد کاهش یافت. نرخ بیکاری برای اردیبهشت ماه سال مذکور معادل ۱۱/۶ درصد بود. رشد قابل توجه سرمایه‌گذاری خصوصاً سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و همچنین تسهیلات اعطایی بانکها از منابع قرض الحسنه و وجوه اداره شده جهت ایجاد اشتغال و بازگشت بخشی از مهاجرین افغانی از جمله دلایل کاهش نرخ بیکاری در سال ۱۳۸۲ نسبت به سال ۱۳۸۱ می‌باشد. بر اساس آمار مذکور، طی سال مورد بررسی نرخ بیکاری مردان از میزان ۱۰/۱ درصد در اردیبهشت ماه به ۹/۸ درصد در بهمن ماه کاهش و نرخ بیکاری زنان از ۲۰/۴ درصد در اردیبهشت ماه با ۰/۱ واحد درصد افزایش به ۲۰/۵ درصد در بهمن ماه رسید. علل افزایش نرخ بیکاری

۱- نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت
۲- نسبت جمعیت غیرشاغل به جمعیت شاغل

زنان در سالهای اخیر عمدتاً ناشی از رشد فزاینده تقاضای کار زنان طی سالهای اخیر در اثر افزایش نرخ مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی و جمعیت بالقوه فعال آنان از یکسو و عدم ایجاد فرصتهای شغلی متناسب جهت این قشر از جامعه از سوی دیگر بود. نرخ بیکاری مردان و زنان در اردیبهشت و بهمن سال ۱۳۸۱ به ترتیب برای مردان ۱۱/۷ و ۱۰/۹ و برای زنان ۱۷/۶ و ۱۹/۵ درصد بود.

بررسی وضعیت نرخ بیکاری برحسب مناطق شهری و روستایی نشان می‌دهد که طی سال ۱۳۸۲ نرخ بیکاری مناطق شهری ۰/۷ واحد درصد کاهش یافته است به گونه ای که از ۱۲/۸ درصد در اردیبهشت ماه به ۱۲/۱ درصد در بهمن ماه رسید، در حالیکه نرخ بیکاری مناطق روستایی طی سال مذکور با افزایشی معادل ۰/۵ واحد درصد از ۹/۴ درصد در اردیبهشت ماه به ۹/۹ درصد در بهمن ماه افزایش یافت. نرخ بیکاری در مناطق شهری و روستایی در اردیبهشت و بهمن سال ۱۳۸۱ به ترتیب برای مناطق شهری ۱۴/۷ و ۱۳/۱ درصد و برای مناطق روستایی ۱۰/۰ و ۱۱/۱ درصد بود.

بر اساس نمونه‌گیری مرکز آمار ایران در بهمن ماه سال ۱۳۸۲ از جمعیت شاغل ۲۰/۹ درصد در بخش کشاورزی، ۳۱ درصد در بخش صنعت و ۴۸/۱ درصد در بخش خدمات شاغل بودند که در مقایسه با سال قبل از سهم بخش کشاورزی کاسته و به سهم بخشهای صنعت و خدمات افزوده گردیده است. سهم بخش کشاورزی، صنعت و خدمات از کل شاغلین در سال ۱۳۸۱ به ترتیب ۲۴/۴، ۲۹/۶ و ۴۶ درصد بود. همچنین در میان استانهای کشور استانهای سیستان و بلوچستان، کردستان و لرستان به ترتیب با ۱۹/۲، ۱۸/۷ و ۱۸/۵ درصد بالاترین نرخ بیکاری و استانهای آذربایجان شرقی، کرمان و قزوین به ترتیب با ۵/۷، ۷/۸ و ۷/۸ درصد کمترین نرخ بیکاری را به خود اختصاص دادند. به این ترتیب دامنه تغییرات نرخ بیکاری استانی (تفاوت بالاترین و پایین ترین نرخ بیکاری) برابر ۱۳/۵ درصد می باشد. در این سال نرخ بیکاری ۱۴ استان بالاتر از میانگین نرخ بیکاری کشور (۱۱/۳ درصد) بود.

اهم اقدامات انجام شده در مورد اشتغال

۱- تسهیلات تکلیفی

مطابق بند (پ) تبصره ۳ قانون بودجه سال ۱۳۸۲ کل کشور مقرر شد از کل ۳۶۰۰ میلیارد ریال افزایش سقف مانده تسهیلات تکلیفی در این سال، ۷۵ درصد به بخشهای تعاونی و خصوصی و ۲۵ درصد آن به بخش دولتی اختصاص یابد که حداقل ۶۵ درصد از سهم بخشهای تعاونی و خصوصی برای اعطای تسهیلات با اهداف اشتغال‌زایی در مناطق توسعه نیافته براساس شاخصهایی که با پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و تایید شورای عالی اشتغال به تصویب هیات وزیران خواهد رسید بین استانها توزیع شود تا از طریق بانکهای عامل در اختیار متقاضیان قرار گیرد. همچنین براساس بند مذکور بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف گردید مبلغ ۱۰۰ میلیارد ریال تسهیلات موضوع این تبصره را از طریق دفتر «همکاریهای فناوری ریاست جمهوری» به منظور ایجاد اشتغال مولد جهت متخصصین فارغ التحصیل ممتاز دانشگاهها و جلوگیری از فرار مغزها اختصاص دهد.

بررسی ارقام مصوب و عملکرد اعطای تسهیلات تکلیفی در سال ۱۳۸۲ نشان می‌دهد از ۳۶۰۰ میلیارد ریال سقف تسهیلات مزبور در این سال، ۲۰۷۰ میلیارد ریال آن جهت اعطای تسهیلات با اهداف اشتغال‌زایی در نظر گرفته شد. از این مبلغ نیز معادل ۸۸۱ میلیارد ریال آن، (۴۲/۶ درصد) مورد تصویب قرار گرفت. در این سال بانکهای عامل مبلغ ۷۵۵ میلیارد ریال به صورت اعطای تسهیلات به طرحهای مصوب پرداخت کردند. عدم وجود هماهنگی بین بانکها و دستگاههای اجرایی، عدم ارائه به موقع مدارک و محقق نشدن شرایط تعیین شده در قرارداد پرداخت تسهیلات توسط برخی از متقاضیان از یک سو و ناتوانی متقاضیان در تامین سهم آورده، عدم ابلاغ به موقع آیین‌نامه‌های اجرایی و پرداخت مرحله‌ای تسهیلات مصوب خصوصاً در رابطه با عقد مشارکت مدنی از سوی دیگر را می‌توان از دلایل عمده عملکرد پایین تسهیلات تکلیفی در مقایسه با میزان مصوب این تسهیلات دانست.

۲- وجوه اداره شده

با توجه به شرایط خاص کشور در مواجهه با بیکاری و پیگیری راهکارهای کارآمد جهت تخصیص اعتبارات اشتغالزایی، طبق ماده ۵۴ قانون برنامه سوم توسعه، دولت مجاز گردید در قالب بودجه سنواتی و از طریق وجوه اداره شده، تسهیلاتی را متناسب با سهم آورده متقاضیان سرمایه گذاری به طرحهای اشتغالزا و صنایع کوچک اختصاص دهد و قسمتی از سود و کارمزد تسهیلات مذکور را در قالب یاد شده، تامین نماید.

به موجب ردیف ۵۰۳۶۱۰ قانون بودجه سال ۱۳۸۲ کل کشور مقرر شده بود مبلغ ۴۵۰۰ میلیارد ریال اعتبار تحت عنوان «وجوه اداره شده» برای اعطای تسهیلات بانکی به طرحهای سرمایه گذاری اشتغالزایی بخشهای تولیدی، خدماتی، بخش خصوصی و خوداشتغالی با اولویت زنان سرپرست خانوار اختصاص یابد. شایان ذکر است از آنجایی که بانکهای عامل طی سالهای ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ موظف گردیده بودند تا دو برابر اعتبار ابلاغی در خصوص طرحهای بخش کشاورزی و خدمات و سه برابر اعتبار ابلاغی در بخش صنعت طرح پذیرش کنند، لذا شورای عالی اشتغال مقرر نمود که اعتبارات منظور شده در قالب ردیف فوق در سال ۱۳۸۲ عمدتاً جهت پرداخت تعهدات قبلی بانکها مورد استفاده قرار گیرد.

۳- ماده ۵۶ قانون برنامه سوم

به موجب ماده ۵۶ قانون برنامه سوم، نظام بانکی کشور موظف شد در طول سالهای اجرای برنامه سوم به نحوی برنامه ریزی و اقدام نماید که همواره پس از کسر ذخایر قانونی و احتیاطی سپردههای قرض الحسنه پس انداز که حداکثر از ۲۰ درصد آن تجاوز نمی کند، حداقل ۷۰ درصد بقیه را بصورت وام برای ابزار کار در اختیار کسانی قرار دهد که برای کارکردن امکان تهیه وسایل کار خود را ندارند. این وام در ابتدا به مبلغ ده میلیون ریال در اختیار افراد حقیقی قرار گرفت، لیکن سپس براساس قانون اصلاح ماده ۵۶ قانون برنامه سوم، از ابتدای آذر ماه ۱۳۸۰ مبلغ آن به سی میلیون ریال افزایش یافت و ضمناً مقرر گردید علاوه بر اشخاص حقیقی، اشخاص حقوقی غیر دولتی نیز بتوانند از این تسهیلات استفاده نمایند.

در سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ تسهیلات پرداختی ماده ۵۶ قانون برنامه سوم در قالب آیین نامه اجرایی این ماده بصورت وام خود اشتغالی پرداخت می گردید اما از سال ۱۳۸۱ با اصلاح آیین نامه مذکور، پرداخت این وام متوقف گردید و تنها کارفرمایان مجاز به استفاده از این تسهیلات شدند.

در طی سال ۱۳۸۲ با توجه به اصلاحات انجام شده در آیین نامه و دستورالعمل اجرایی ماده ۵۶ و نهایتاً تصویب دستورالعمل جدید در اواخر سال توسط شورای پول و اعتبار از یکسو و تغییر در فرآیند اجرایی اعطای تسهیلات مزبور بر اساس سیستم مکانیزه پیشنهادی صندوق حمایت از فرصت های شغلی از سوی دیگر موجب گردید که این ماده در سال ۱۳۸۲ عملکرد قابل توجهی نداشته باشد. در مجموع مانده تسهیلات اعطایی در قالب ماده ۵۶ قانون برنامه سوم در پایان سال ۱۳۸۲ به رقم ۱۱۴۳۸/۲ میلیارد ریال رسید. از این مبلغ افزایش در مانده سال ۱۳۸۲ در مقایسه با پایان سال ۱۳۸۱ معادل ۳۷۹/۵ میلیارد ریال بوده است.

۴- حساب ذخیره ارزی

در سال ۱۳۸۲ جهت حمایت از فعالیتهای تولیدی با هدف ایجاد فرصتهای جدید شغلی، از منابع حساب ذخیره ارزی نیز استفاده قابل توجهی گردید به طوری که بر اساس آمار عملکرد تسهیلات اعطایی بانکها تا پایان اسفندماه ۱۳۸۲ ارزش کل طرحهای مصوب جهت استفاده از این تسهیلات ۸۰۵۴/۵ میلیون دلار و ارزش طرحهای قرارداد منعقد شده با مشتریان ۴۲۸۷/۲ میلیون دلار بوده است.

۵- صندوق حمایت از فرصت های شغلی

به موجب بند «خ» تبصره ۳ قانون بودجه سال ۱۳۸۲ مقرر گردید که مبلغ ۵۰۰ میلیارد ریال به عنوان افزایش سرمایه دولت در صندوق حمایت از فرصت های شغلی برای اعطای تسهیلات به طرح های زودبازده اشتغالزا و خوداشتغالی تا سقف سی میلیون ریال در اختیار صندوق مذکور قرار گیرد. تقویت و یا ایجاد مراکز آموزشی و اشتغال از محل این اعتبار ممنوع گردید.

عملکرد صندوق بیمه بیکاری در سال ۱۳۸۲^(۱)

براساس ماده (۱) قانون بیمه بیکاری، کلیه مشمولین قانون تامین اجتماعی که تابع قوانین «کار» و «کار کشاورزی» هستند مشمول این قانون می باشند. براساس مفاد این قانون، حمایت و هدایت بیکاران مشمول این قانون بعهده وزارت کار و امور اجتماعی است و در مقابل سازمان تامین اجتماعی عهده دار دریافت حق بیمه و تنظیم اسناد و مدارک بیمه شدگان و پرداخت مقرری به آنها می باشد. تنها محل درآمد صندوق بیمه بیکاری، حق بیمه ای است که به موجب ماده (۵) قانون مزبور به میزان ۳ درصد مزد بیمه شده، تعیین گردیده است. حق بیمه مذکور توسط کارفرما تامین و پرداخت می شود. براساس ماده (۷) قانون بیمه بیکاری مدت پرداخت مقرری بیمه بیکاری برای افراد مجرد حداقل ۶ و حداکثر ۳۶ ماه و برای افراد متأهل حداقل ۱۲ و حداکثر ۵۰ ماه می باشد. فرد مشمول بیمه بیکاری لازم است قبل از بیکار شدن حداقل دارای ۶ ماه سابقه پرداخت حق بیمه باشد.

براساس آمار موجود در پایان سال ۱۳۸۲، تعداد مقرری بگیران صندوق بیمه بیکاری به ۱۳۱۸۴۲ نفر بالغ گردید که در مقایسه با رقم پایان سال ۱۳۸۱ بیش از ۱۳/۴ درصد افزایش نشان می دهد.

تعداد مقرری بگیران از صندوق بیمه بیکاری

تعداد مقرری بگیران	تعداد برقراری مقرری	تعداد موارد قطع مقرری	تعداد مقرری بگیران
در پایان سال ۱۳۸۱	در سال ۱۳۸۲	در سال ۱۳۸۲	در پایان سال ۱۳۸۲
۱۱۶۲۶۸	۱۰۹۴۸۷	۹۳۹۱۳	۱۳۱۸۴۲

عواملی که در رشد تعداد مقرری بگیران در سال های اخیر موثر بوده است به شرح ذیل می باشد:

- مشکلات ناشی از خصوصی سازی، اصلاح ساختار یا انحلال کارگاه ها و شرکت های بزرگ که در اغلب موارد منجر به تعدیل و یا اخراج پرسنل و یا تعطیلی کارگاه ها می گردد.
- معرفی وسیع کارگران بازخرید شده کارگاه ها که قبل از طرح دعوا با کارفرما سازش نموده اند.

توزیع علل قطع مقرری بیمه بیکاری در سال ۱۳۸۱

تعداد کل قطع مقرری	تعداد استفاده کنندگان از حداکثر مدت	تعداد افرادی که اشتغال مجدد داشته اند	سایر
۹۳۹۱۳	۷۳۲۵۲	۱۵۹۶۵	۴۶۹۶
۱۰۰/۰	۷۸/۰	۱۷/۰	۵/۰

معرفی کارگران شاغل در فعالیت های غیر دائم از جمله طرح ها و پروژه های مربوط به صنایع نفت و گاز و سدسازی در استان های جنوبی کشور.

- شرایط نامناسب بازار کار و عدم تناسب آموزش های فنی و حرفه ای ارائه شده به مقرری بگیران با نیاز بازار کار.

شایان ذکر است که در سال ۱۳۸۲ اغلب مقرری بگیران صرفاً بدلیل اتمام مدت استحقاقی آنها از فهرست مقرری بگیران حذف و تنها ۱۷ درصد از آنان به دلیل اشتغال مجدد قبل از اتمام دوره دریافت مقرری از فهرست مذکور خارج شدند.

۱- قانون بیمه بیکاری در سال ۱۳۶۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

دستمزد و حقوق

یکی از اهداف مهم اقتصادی- اجتماعی دولتها حمایت و پشتیبانی از نیروی کار جهت حفظ قدرت خرید و رفاه زندگی و نیز تامین امنیت شغلی آنان می باشد. یکی از جنبه های اصلی این حمایت تعیین حداقل مزد برای کارگران و تعیین ضریب حقوق برای کارمندان دولت می باشد.

در ایران شورای عالی کار هر ساله موظف است میزان حداقل دستمزد کارگران را اعلام نماید. رقم حداقل دستمزد اسمی ماهانه در سال ۱۳۸۲ با ۲۲/۲ درصد افزایش نسبت به سال قبل معادل ۸۵۳۳۸۰ ریال تعیین گردید. با در نظر گرفتن نرخ تورم در این سال (۱۵/۶ درصد)، حداقل دستمزد واقعی ماهانه ۵/۷ درصد افزایش داشته است. همچنین ضریب حقوق کارکنان دولت نیز از ۲۹۰ در سال ۱۳۸۱ به ۳۲۰ در سال مورد بررسی افزایش یافت که با ملحوظ داشتن حداکثر ۵ درصد افزایش سالانه، کل حقوق کارکنان دولت در این سال ۱۵/۳ درصد افزایش یافت که اندکی کمتر از نرخ تورم در این سال (۱۵/۶ درصد) بود. لازم به توضیح است تعدیل دستمزدها و حقوق ها می باید براساس دو عامل مهم تورم و بهره وری نیروی کار صورت پذیرد. تعدیل دستمزد و حقوق براساس تورم یک افزایش همگانی است که کلیه کارکنان به نسبت مساوی از آن متفع می گردند، لیکن افزایش دستمزد و حقوق براساس بهره وری نیروی کار، بستگی کامل به شایستگی ها و تواناییهای فردی در جهت پیشبرد اهداف سازمانی دارد.

بهره وری نیروی کار

برای اندازه گیری بهره وری نیروی کار در یک بخش از اقتصاد می توان از نسبت ارزش افزوده به تعداد شاغلین آن بخش استفاده نمود. در سطح کل اقتصاد نیز بهره وری نیروی کار از نسبت تولید ناخالص داخلی به تعداد کل شاغلین بدست می آید. تغییرات بهره وری نیروی کار می تواند به دلایل مختلفی نظیر تغییر موجودی سرمایه، تغییر سطح کیفی نیروی کار در اثر آموزش، کسب تجربه، تقسیم و تخصص کار، تغییر شرایط کار، مهارت در مدیریت و... باشد.

بهره وری نیروی کار برحسب بخشهای اقتصادی

(۱۳۷۶=۱۰۰)

سال	صنایع و معادن (۱)			کشاورزی			خدمات		
	ارزش افزوده (میلیارد ریال)	شاغلین (نفر)	بهره وری (هزار ریال/نفر)	ارزش افزوده (میلیارد ریال)	شاغلین (نفر)	بهره وری (هزار ریال/نفر)	ارزش افزوده (میلیارد ریال)	شاغلین (نفر)	بهره وری (هزار ریال/نفر)
۱۳۸۰	۷۴۰۷۹	۵۳۳۸۸۶۴	۱۳۸۷۵/۴	۴۴۷۳۸	۳۶۷۰۴۰۸	۱۲۱۸۸۸	۱۷۷۲۶۷	۷۹۰۹۱۵۹	۲۲۴۱۲/۹
۱۳۸۱	۸۳۱۶۲	۵۶۳۸۹۵۰	۱۴۷۴۷/۸	۴۹۸۲۵	۳۶۹۲۴۰۷	۱۳۴۹۳/۹	۱۸۶۹۹۲	۸۱۶۷۹۱۵	۲۲۸۹۳/۵
۱۳۸۲	۸۹۳۳۹	۵۹۲۰۵۱۹	۱۵۰۸۹/۷	۵۳۳۴۵	۳۷۱۳۳۶۷	۱۴۳۶۵/۷	۱۹۶۵۵۹	۸۵۱۸۷۲۳	۲۳۰۷۳/۸

۱- آمار شاغلین از برآورد سازمان مدیریت و برنامه ریزی استفاده شده است.

برآورد میزان بهره وری نیروی کار در کل اقتصاد در طی دوره ۸۲-۱۳۸۰

(۱۳۷۶=۱۰۰)

۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰
۳۷۹۰۰۹	۳۵۵۳۵۰	۳۳۰۵۶۵
۱۸۱۵۲۶۰۹	۱۷۴۹۹۲۷۲	۱۶۹۱۸۴۳۱
۲۰۸۷۹	۲۰۳۰۶/۵	۱۹۵۳۸/۸
۲/۸	۳/۹	۰/۴

۱- برآورد سازمان مدیریت و برنامه ریزی

مقایسه میزان بهره وری نیروی کار به تفکیک بخشهای اقتصادی و نیز بهره وری نیروی کار در کل اقتصاد طی سالهای ۸۲-۱۳۸۰ حاکی از روند روبه رشد بهره وری در کل اقتصاد و بخشهای سه گانه صنعت، کشاورزی و خدمات می باشد.

توزیع درآمد

توزیع درآمد خانوار در هر کشور تحت تاثیر عوامل بوجود آورنده درآمد خانوار، شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور و سیاستهای دولت در زمینه توزیع مجدد درآمد قرار دارد. برای اندازه گیری نابرابری توزیع درآمد می توان از شاخصهای متفاوتی استفاده نمود که از جمله متداولترین این شاخصها نسبت سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین افراد جامعه به سهم ۱۰ درصد فقیرترین افراد و ضریب جینی می باشد.

طی سال ۱۳۸۲ در مناطق شهری کشور، سهم درآمد ۱۰ درصد فقیرترین افراد جامعه معادل ۲ درصد و سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین افراد معادل ۳۲ درصد از درآمد جامعه بود. در این سال سهم دهک اول درآمدی نسبت به سال گذشته با ۵/۳ درصد افزایش و سهم دهک دهم درآمدی با ۱/۲ درصد کاهش مواجه بود، از اینرو نسبت سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین افراد جامعه به فقیرترین افراد با ۵/۹ درصد کاهش از ۱۷/۱ برابر در سال ۱۳۸۱ به ۱۶ برابر در سال ۱۳۸۲ کاهش یافت که نشان دهنده بهبود توزیع درآمد در مناطق شهری کشور طی سال مورد بررسی می باشد.

همچنین در سال ۱۳۸۲ ضریب جینی در مناطق شهری کشور معادل ۰/۴۱۵۶ بود که نسبت به سال گذشته ۰/۸ درصد کاهش نشان می دهد. کاهش این ضریب موید بهتر شدن توزیع درآمد در مناطق شهری کشور در سال مورد بررسی می باشد.

شاخص های نابرابری توزیع درآمد در مناطق شهری

۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	
۰/۴۱۵۶	۰/۴۱۹۱	۰/۳۹۸۵	ضریب جینی
۱۵/۰۵	۱۴/۹۸	۱۵/۹۴	سهم ۴۰ درصد خانوارهای کم درآمد (درصد)
۳۶/۵۴	۳۶/۰۷	۳۷/۱۴	سهم ۴۰ درصد خانوارهای با درآمد متوسط (درصد)
۴۸/۴۲	۴۸/۹۵	۴۶/۹۲	سهم ۲۰ درصد خانوارهای با درآمد بالا (درصد)
۱۶/۰	۱۷/۱	۱۴/۷	نسبت ۱۰ درصد ثروتمند به ۱۰ از فقیرترین خانوارها

بودجه خانوار در مناطق شهری

در سال ۱۳۸۲ بررسی از هزینه و درآمد خانوارهای ساکن در مناطق شهری در ۷۲ شهر و با مراجعه به ۶۰۰۰ خانوار نمونه انجام گرفت، که نتایج آن به شرح زیر است:

الف) هزینه :

در سال مورد بررسی متوسط هزینه ناخالص سالانه یک خانوار شهری ۴۹۵۱۵ هزار ریال (ماهانه ۴۱۲۶ هزار ریال) بود که نسبت به سال قبل ۱۲/۹ درصد افزایش داشت. از کل مبلغ مزبور ۲۷/۲ درصد به گروه هزینه «خوراکیها، آشامیدنیها و دخانیات»، ۲۸/۳ درصد مربوط به گروه هزینه «مسکن، آب، برق و سوخت» و ۱۵/۸ درصد به گروه هزینه «حمل و نقل و ارتباطات» اختصاص داشت که در مقایسه با ارقام مشابه سال قبل به ترتیب ۱۲/۳، ۱۸/۳ و ۱۵/۲ درصد افزایش داشت. همچنین بررسی متوسط هزینه ناخالص سالانه یک خانوار ساکن در مناطق شهری استانهای مختلف نمایانگر این است که استان تهران با ۶۹۹۹۴ هزار ریال (ماهانه حدود ۵۸۳۳ هزار ریال) بیشترین و استان هرمزگان با ۲۶۰۸۶ هزار ریال (ماهانه حدود ۲۱۷۴ هزار ریال) کمترین هزینه را به خود اختصاص داده اند.

ب) درآمد:

در سال مورد بررسی مجموع درآمد پولی و غیر پولی ناخالص سالانه یک خانوار شهری بالغ بر ۴۶۱۳۱ هزار ریال (ماهانه ۳۸۴۴ هزار ریال) بود که ۷۳/۷ درصد آن را درآمد پولی ناخالص و ۲۶/۳ درصد را درآمد غیر پولی تشکیل داده است. در سال ۱۳۸۲ کل درآمد پولی و غیر پولی خانوار نسبت به سال قبل حدود ۱۴/۶ درصد افزایش داشت. در این میان میزان افزایش درآمد پولی خانوار ۱۳/۷ و درآمد غیر پولی ۱۷/۲ درصد بود. شایان ذکر است در سال ۱۳۸۲ معادل ۲۱/۱ درصد از کل درآمدهای پولی و غیر پولی را ارزش اجاری مسکن شخصی (مالک نشین) تشکیل داد.

از نظر متوسط درآمد ناخالص سالانه یک خانوار شهری، استان تهران با ۶۵۸۱۵ هزار ریال (ماهانه حدود ۵۴۸۵ هزار ریال) بیشترین و استان سیستان و بلوچستان با ۲۵۸۹۰ هزار ریال (ماهانه حدود ۲۱۵۸ هزار ریال) کمترین درآمد را دارا بوده اند.

آموزش و پرورش

نسبت باسوادی در جمعیت ۶ ساله و بالاتر

(درصد)

کل کشور	مناطق شهری	مناطق روستایی ^(۱)
۱۳۸۱	۸۴/۹	۷۴/۳
۱۳۸۲	۸۵/۵	۷۴/۸

ماخذ: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور
۱- آمار مربوط به جمعیت غیر ساکن در آمار مناطق روستایی منظور گردیده است.

در سال ۱۳۸۲ نسبت باسوادی در جمعیت ۶ ساله و بالاتر در کل کشور با ۰/۶ واحد درصد افزایش به ۸۵/۵ درصد بالغ گردید. در سال مذکور نسبت جمعیت تحت تعلیم به لازم التعلیم در گروه سنی ۶ تا ۱۴ ساله در مناطق مختلف با اندکی افزایش مواجه بود و این نسبت در کل کشور به ۹۶ درصد رسید. نسبت باسوادی در گروه سنی ۶ تا ۲۹ ساله در کل کشور نیز معادل ۹۶/۳ درصد بود که در مقایسه با سال قبل از ۰/۷ واحد درصد افزایش برخوردار بود.

نسبت جمعیت تحت تعلیم به لازم التعلیم و نسبت باسوادی کشور

(درصد)

۱۳۸۱	۱۳۸۲
نسبت جمعیت تحت تعلیم به لازم التعلیم	
در گروه سنی ۶ تا ۱۴ ساله:	
۹۸/۵	۹۸/۰
۹۱/۰	۸۹/۳
۹۶/۰	۹۵/۸
نسبت با سوادی	
در گروه سنی ۶ تا ۲۹ ساله:	
۹۸/۰	۹۷/۷
۹۳/۰	۹۰/۶
۹۶/۳	۹۵/۶

ماخذ: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور

آموزش و پرورش عمومی از دو مرحله آموزش پایه و آموزش نیمه تخصصی نظری تشکیل شده است. آموزش پایه شامل دوره‌های تحصیلی قبل از دبستان، ابتدایی و راهنمایی تحصیلی بوده که دوره ابتدایی جزء آموزش‌های اجباری می‌باشد. آموزش نیمه تخصصی نظری نیز دوره‌های تحصیلی متوسطه نظری و پیش‌دانشگاهی را در بر می‌گیرد.

تعداد کل دانش‌آموزان (آموزش عمومی و پیش‌دستانی) به تبع روند رو به کاهش نرخ رشد جمعیت در سالهای اخیر، روند نزولی داشته و به حدود ۱۶۷۵^(۱) میلیون نفر در سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲ رسیده است که در مقایسه با سال قبل ۷/۵ درصد کاهش نشان می‌دهد. کاهش

تعداد دانش‌آموزان در همه مقاطع تحصیلی وجود داشته است، به طوری که تعداد دانش‌آموزان در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه به ترتیب ۴/۵، ۳/۸ و ۲۰/۸ درصد و تعداد دانش‌آموزان در دوره پیش‌دانشگاهی معادل ۴/۲ درصد در مقایسه با سال تحصیلی قبل کاهش داشته است.

در سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲ از حدود ۶/۶ میلیون دانش‌آموز در مقطع تحصیلی ابتدایی ۵۲ درصد پسر و ۴۸ درصد دختر بودند. همچنین تعداد ۳/۹ میلیون نفر (۵۹/۴ درصد) آنها در مناطق شهری و مابقی آنها به تعداد ۲/۷ میلیون نفر (۴۰/۶ درصد) در مناطق روستایی به تحصیل اشتغال داشتند. نسبت دانش‌آموزان دختر به کل دانش‌آموزان ابتدایی در مناطق شهری ۴۸/۴ درصد و در مناطق روستایی ۴۷/۴ درصد بود.

در سال تحصیلی مورد گزارش تعداد دانش‌آموزان راهنمایی تحصیلی، حدود ۴/۷ میلیون نفر بود که در مقایسه با سال تحصیلی گذشته ۳/۸ درصد کاهش داشت. از این تعداد ۴۶۳ درصد را دانش‌آموزان دختر و ۵۳۷ درصد را دانش‌آموزان پسر تشکیل دادند. از تعداد دانش‌آموزان مقطع راهنمایی تحصیلی در کل کشور، ۶۹ درصد در مناطق شهری و ۳۱ درصد مابقی آن در مناطق روستایی به تحصیل اشتغال داشتند. نسبت دانش‌آموزان دختر به کل دانش‌آموزان راهنمایی در مناطق روستایی ۴۳ درصد بود.

در سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲، حدود ۴/۲ میلیون دانش‌آموز در دوره‌های روزانه واحدهای آموزشی متوسطه و پیش‌دانشگاهی به تحصیل اشتغال داشتند که با احتساب دانش‌آموزان دوره‌های بزرگسالان (شبانه) این تعداد به حدود ۴/۷ میلیون دانش‌آموز بالغ می‌گردد. نسبت دانش‌آموزان دختر در مقاطع متوسطه و پیش‌دانشگاهی به ترتیب ۴۹/۶ و ۵۰/۴ درصد بود.

۱- از این تعداد حدود نیم میلیون نفر را دانش‌آموزان بزرگسال تشکیل داد که در مقایسه با رقم مشابه سال قبل ۵ درصد کاهش نشان می‌دهد.

دانش آموزان مقاطع مختلف تحصیلی برحسب جنس(۱)

(نفر)

درصد تغییر	۱۳۸۲-۸۳		۱۳۸۱-۸۲		
	پسر	دختر	پسر	دختر	
ابتدایی	۳۴۵۷۵۵۹	۳۱۹۰۳۵۸	۳۶۶۲۵۰۷	۳۳۶۶۴۱۷	
راهنمایی تحصیلی	۲۵۱۴۹۴۳	۲۱۶۳۶۲۱	۲۶۳۶۷۲۸	۲۲۲۸۸۷۵	
متوسطه عمومی (۲)	۱۹۴۴۲۵۶	۱۸۷۳۵۱۵	۱۹۴۰۹۲۴	۱۸۸۷۶۰۰	
جمع	۷۹۱۶۷۵۸	۷۲۲۷۴۹۴	۸۲۴۰۱۵۹	۷۴۸۲۸۹۲	

ماخذ: وزارت آموزش و پرورش ۱- شامل دانش آموزان بزرگسال نمی باشد. ۲- بدون احتساب دانش آموزان دوره پیش دانشگاهی.

ترکیب دانش آموزان مقاطع مختلف تحصیلی

در مناطق شهری و روستایی

(درصد)

مناطق روستایی	سال تحصیلی ۱۳۸۱-۸۲		۱۳۸۲-۸۳		
	مناطق شهری	مناطق روستایی	مناطق شهری	مناطق روستایی	
ابتدایی	۵۸/۷	۴۱/۳	۵۹/۴	۴۰/۶	
راهنمایی تحصیلی	۶۹/۴	۳۰/۶	۶۹/۰	۳۱/۰	
متوسطه عمومی	۸۵/۳	۱۴/۷	۸۴/۸	۱۵/۲	
جمع	۶۸/۵	۳۱/۵	۷۱/۱	۲۸/۹	

ماخذ: وزارت آموزش و پرورش

یکی از جهت گیریهای اصلی برنامه سوم توسعه در بخش آموزش و پرورش افزایش مشارکت مردمی و تقویت نقش بخش خصوصی در آموزش و پرورش بوده است (ماده ۱۴۴ قانون برنامه سوم توسعه) که در این ارتباط افزایش تعداد دانش آموزان مدارس غیرانتفاعی قابل توجه می باشد. در سال تحصیلی ۱۳۸۲-۸۳ علیرغم کاهش تعداد کل دانش آموزان (شامل دولتی و غیرانتفاعی)، تعداد دانش آموزان مدارس غیرانتفاعی با ۵/۳ درصد افزایش نسبت به سال تحصیلی گذشته به ۸۶۱ هزار نفر بالغ گردید، به طوری که سهم دانش آموزان این مدارس از کل دانش آموزان از ۵/۲ درصد در سال تحصیلی قبل به ۵/۷ درصد در سال مورد بررسی افزایش یافت.

دانش آموزان مدارس غیر انتفاعی در مقاطع مختلف تحصیلی

(نفر)

درصد تغییر	تعداد (نفر)		سهم در کل دانش آموزان (درصد)		
	۱۳۸۱-۸۲	۱۳۸۲-۸۳	۱۳۸۱-۸۲	۱۳۸۲-۸۳	
ابتدایی	۲۹۵۰۴۰	۳۱۴۳۸۴	۴/۲	۴/۷	
راهنمایی تحصیلی	۲۷۱۰۱۱	۲۷۷۵۱۸	۵/۶	۵/۹	
متوسطه عمومی	۲۵۱۸۱۹	۲۶۹۱۴۲	۶/۶	۷/۰	
جمع	۸۱۷۸۷۰	۸۶۱۰۴۴	۵/۲	۵/۷	

ماخذ: وزارت آموزش و پرورش

در سال تحصیلی ۱۳۸۲-۸۳ تعداد مدارس کل کشور با احتساب دوره آمادگی و پیش دانشگاهی با رشدی معادل ۲/۲ درصد نسبت به سال قبل به حدود ۱۳۷/۶ هزار مدرسه رسید. رشد تعداد مدارس شهری و روستایی به ترتیب به میزان ۳/۳ و ۱/۲ درصد بود. در این سال ۸/۷ درصد از تعداد مدارس کشور به مدارس غیرانتفاعی اختصاص داشت که با ۱۱/۴ درصد افزایش نسبت به سال تحصیلی قبل به ۱۱۹۲۰ مدرسه رسید.

در سال تحصیلی مورد بررسی تعداد کادر آموزشی رسمی و پیمانی آموزشگاهها در مناطق شهری و کل کشور به ترتیب با ۳/۸ و ۱/۱ درصد افزایش و مناطق روستایی با ۴/۷ درصد کاهش در مقایسه با سال تحصیلی قبل روپرو شدند.

نیروی انسانی بخش آموزش و پرورش طی دوره ۱۳۷۹-۸۲ با حدود ۲۰ هزار نفر کاهش به ۱۰۴۵ هزار نفر در سال ۱۳۸۲ رسیده است که با توجه به سیاستهای اصلاح ساختار نیروی انسانی و نیز سهم بالای کارکنان این بخش در بین کارکنان دولت، این کاهش چندان قابل توجه نمی باشد. کاهش نیروی انسانی شاغل در آموزش و پرورش طی این سالها با افزایش

تعداد معلمان به میزان ۱۴ هزار نفر همراه بوده که این امر حاکی از بهبود ترکیب نیروی انسانی آموزش و پرورش به نفع کارکنان آموزشی است. در سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲ شاخص های آموزشی «دانش آموز به مدرسه»، «دانش آموز به کلاس» و «دانش آموز به معلم» عمدتاً بدلیل کاهش تعداد دانش آموزان و افزایش تعداد معلمان و مدارس بهبود یافت.

شاخص های کیفیت آموزشی در ایران

سال تحصیلی				
۱۳۸۲-۸۳	۱۳۸۱-۸۲	۱۳۸۰-۸۱	۱۳۷۹-۸۰	
۱۲۱/۰	۱۲۷/۵	۱۳۷/۳	۱۴۵/۷	دانش آموز به مدرسه
۲۴/۳	۲۴/۹	۲۵/۸	۲۷/۳	دانش آموز به کلاس
۱۷/۰	۱۷/۷	۱۸/۴	۱۸/۸	دانش آموز به معلم

ماخذ: وزارت آموزش و پرورش

در سال ۱۳۸۲ تعداد بیسوادان و کم سوادان تحت پوشش فعالیت های سوادآموزی برابر ۴۰۱۵۰۸ نفر بود که ۸۵ درصد آن را زنان تشکیل دادند. از کل سوادآموزان حدود ۵۰ درصد در دوره مقدماتی و ۵۰ درصد بقیه در مقاطع تکمیلی، پایانی و پنجم ابتدایی به سوادآموزی اشتغال داشتند. در سال ۱۳۸۲ تعداد ۶۸۰۰۵ کلاس سوادآموزی شامل ۳۱۷۴۲ کلاس شهری و ۳۶۲۶۳ کلاس روستایی تشکیل گردید.

در سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲ تعداد کل دانشجویان تحت پوشش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و نیز دانشگاه آزاد اسلامی از ۱/۷ میلیون نفر به ۱/۹ میلیون نفر افزایش یافت که در این میان تعداد دانشجویان دانشگاهها و موسسات آموزش عالی دولتی و پیام نور با ۱۴/۱ درصد افزایش به حدود ۹۲۳/۹ هزار نفر و دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی با ۶/۷ درصد افزایش به حدود ۹۶۸/۲ هزار نفر بالغ گردید. همچنین در این سال تحصیلی تعداد کل دانشجویان مرد و زن به ترتیب با افزایشی معادل ۸/۶ و ۱۲/۱ درصد نسبت به سال تحصیلی قبل به ۹۱۷/۱ و ۹۷۵ هزار نفر بالغ گردید.

در سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲ در میان دانشجویان دانشگاهها و موسسات آموزش عالی دولتی تحت پوشش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تعداد دانشجویان رشته های «حقوق»، «ریاضی و علوم کامپیوتر» و «امور اداری، بازرگانی و مدیریت» به ترتیب با ۳۶/۵، ۲۳/۱ و ۲۰/۸ درصد رشد بیشتر از سایر رشته ها افزایش داشت. در این سال رشته های مهندسی و امور اداری، بازرگانی و مدیریت با داشتن سهمی به ترتیب معادل ۱۶/۱ و ۱۴/۳ درصد بیشترین سهم را از کل دانشجویان دانشگاهها و موسسات آموزش عالی دولتی تحت پوشش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارا بودند.

کل دانشجویان کشور

(نفر)

سهم (درصد)		درصد تغییر		سال تحصیلی		دانشگاهها و موسسات آموزش عالی دولتی ^(۱)
۱۳۸۲-۸۳	۱۳۸۱-۸۲	۱۳۸۲-۸۳	۱۳۸۱-۸۲	۱۳۸۲-۸۳	۱۳۸۱-۸۲	
۴۸/۸	۴۷/۲	۱۴/۱	۶/۵	۹۲۳۹۱۳	۸۰۹۵۴۶	زن
۲۶/۱	۲۴/۱	۱۹/۵	۹/۱	۴۹۳۴۲۰	۴۱۲۸۴۸	مرد
۲۲/۸	۲۳/۱	۸/۵	۴/۰	۴۳۰۴۹۳	۳۹۶۷۱۹	دانشگاه آزاد اسلامی
۵۱/۲	۵۲/۸	۶/۷	۱۲/۲	۹۶۸۲۰۶	۹۰۴۸۶۹	زن
۲۵/۵	۲۶/۷	۵/۴	۱۷/۲	۴۸۱۵۹۰	۴۵۷۱۲۶	مرد
۲۵/۷	۲۶/۱	۸/۷	۷/۵	۴۸۶۶۱۶	۴۴۷۷۴۳	جمع
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱/۰	۹/۴	۱۸۹۲۱۱۹	۱۷۱۴۴۳۶	

ماخذ: وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری و دانشگاه آزاد اسلامی
۱- شامل دانشجویان دانشگاه پیام نور نیز می باشد.

بهداشت و درمان

براساس آمار سازمان نظام پزشکی در سال ۱۳۸۲ تعداد پزشکان، دندانپزشکان و داروسازان نسبت به سال قبل به ترتیب با افزایشی معادل ۳/۱، ۵/۸ و ۰/۹ درصد به ۸۰۱۵۶، ۱۵۶۰۹ و ۱۱۴۰۶ نفر رسید. در این سال نسبت جمعیت به پزشک، دندانپزشک و داروساز به ترتیب معادل ۸۳۲، ۴۲۷۳ و ۵۸۴۸ نفر بود که در مقایسه با سال قبل بیانگر بهبود شاخص‌های بهداشتی در کشور می‌باشد.

در سال ۱۳۸۲ متوسط شاخص بهای دارو در مناطق شهری ۲۶۳/۱ بود، که با توجه به شاخص قیمت‌ها میزان ارزش واقعی فروش داروی تولید داخل معادل ۲۱۸۰/۸ میلیارد ریال گردید که نسبت به سال گذشته ۱۸/۷ درصد افزایش داشت. در این سال فروش داروی تولید داخل با ۳۷/۰ درصد افزایش نسبت به سال قبل به رقم ۵۷۳۷/۸ میلیارد ریال بالغ گردید. مصرف سرانه دارو در این سال حدود ۱۱۷۱۷۲ ریال بود که نسبت به سال قبل افزایشی معادل ۴۲/۳ درصد را نشان می‌دهد. با در نظر گرفتن شاخص بهای دارو، ارزش واقعی مصرف سرانه دارو به ۴۴۵۳۵/۱ ریال بالغ گردید که نسبت به سال قبل ۲۳/۳ درصد افزایش داشت.

تامین اجتماعی

تامین اجتماعی حمایتی

در سال ۱۳۸۲ تعداد افراد تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) با ۰/۱ درصد کاهش نسبت به سال قبل به ۶ میلیون نفر رسید که ۲ میلیون نفر از این تعداد را مددجویان موردی تشکیل دادند. شایان ذکر است از سال ۱۳۸۱ مسئولیت بیمه اقشار نیازمند از کمیته امداد امام خمینی منتزع و به سازمان بیمه خدمات درمانی محول شد. این امر موجب کاهش افراد تحت پوشش این کمیته در این سال نسبت به سال قبل گردید.

در این سال میزان کمکهای پرداختی کمیته امداد امام خمینی (ره) با افزایشی معادل ۶/۸ درصد به ۶۱۴۰/۲ میلیارد ریال رسید. کمکهای پرداختی کمیته امداد شامل مستمری طرحهای مددجویی^(۱)، شهید رجایی^(۲) و هزینه خدمات جانبی بوده است. هزینه خدمات جانبی شامل هزینه خدمات مسکن و ساختمان، هزینه خدمات بیمه و درمان، خدمات خودکفایی و اشتغال، تهیه و تامین جهیزیه و هزینه‌های خدمات فرهنگی و آموزشی و سایر خدمات جانبی کمیته امداد به افراد نیازمند و واجد شرایط می‌باشد.

افراد تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و میزان کمکهای پرداختی

درصد تغییر	سال		
	۱۳۸۱	۱۳۸۲	
	۱۳۸۱	۱۳۸۲	کل افراد تحت پوشش (هزار نفر)
-۰/۱	۶۰۳۸	۶۰۳۰	مددجویان دائمی
-۲/۸	۴۱۷۴	۴۰۵۶	طرح مددجویی ^(۱)
-۲/۷	۲۶۲۹	۲۵۵۸	طرح شهید رجایی
۳/۰	۱۵۴۵	۱۴۹۸	مددجویان موردی
۵/۶	۱۹۱۶	۱۹۵۰	طرح بیمه اقشار نیازمند
۳۳/۳	۱۳۳۶	۲۴	میزان کمکهای پرداختی (میلیارد ریال)
۶/۸	۴۶۷۶/۴	۵۷۴۹/۹	مستمری طرح مددجویی
-۳/۴	۱۲۹۷/۴	۱۳۰۰/۳	مستمری طرح شهید رجایی
-۸/۱	۶۸۹/۳	۸۱۹/۵	سایر هزینه‌ها
۲۴/۵	۲۶۸۹/۷	۴۰۲۰/۴	

ماخذ: کمیته امداد امام خمینی (ره)

۱- طرح مددجویی بر حسب اعلان سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور جایگزین «طرح مددجویان عادی» گردیده است.

۱- (طرح مددجویی) ایتم، زنان بی سرپرست، معلولان، از کارافتادگان و ... را مورد پوشش حمایتی قرار می‌دهد.

۲- (طرح شهید رجایی) سالمندان نیازمند روستایی و عشایری را مورد حمایت قرار می‌دهد.

تامین اجتماعی بیمه ای

سازمان تامین اجتماعی، کارگران و کارمندان تحت پوشش قانون کار را از طریق طرحهای مشارکت اجباری و افراد خویش فرما را از طریق ترتیبات قراردادی تحت پوشش خدمات این سازمان قرار می دهد.

تعداد بیمه شدگان اصلی سازمان تامین اجتماعی در سال ۱۳۸۲ با افزایشی معادل ۷/۰ درصد نسبت به سال قبل به ۷۰۴۸/۹ هزار نفر رسید. از این تعداد ۸۵/۴ درصد شاغل در کارگاه و ۱/۹ درصد (حدود ۱۳۲ هزار نفر) بیکار بوده و از بیمه بیکاری استفاده نمودند که نسبت به سال گذشته حدود ۱۶ هزار نفر بیشتر بوده است. مابقی به میزان ۱۲/۷ درصد شامل بیمه شدگان اختیاری، مشاغل آزاد و کامیونداران و کارکنان بخش بیمه ای بوده اند.

در این سال ۱۱/۸ درصد بیمه شدگان اصلی در بخش دولتی و ۸۸/۲ درصد در بخش غیردولتی بودند. همچنین از میان بیمه شدگان اصلی سازمان تامین اجتماعی ۹ درصد را زنان و ۹۱ درصد را مردان تشکیل می دادند. در سال مورد گزارش تعداد بیمه شدگان اصلی و تبعی سازمان تامین اجتماعی با ۱/۱ درصد افزایش نسبت به سال ۱۳۸۱ به حدود ۲۵/۳ میلیون نفر رسید که معادل ۳۷/۹ درصد از کل جمعیت را پوشش می دهد. در سال ۱۳۸۲ تعداد مستمری بگیران اصلی بازنشسته با ۱۲/۵ درصد افزایش نسبت به سال قبل به ۵۲۱/۴ هزار نفر و تعداد مستمری بگیران اصلی از کارافتاده با ۹/۹ درصد افزایش به حدود ۷۸/۶ هزار نفر رسید. تعداد مستمری بگیران اصلی و تبعی در همین سال نسبت به سال قبل با ۱۱/۳ درصد افزایش به ۲/۷ میلیون نفر بالغ شد. بدین ترتیب در سال مورد گزارش کلیه افراد تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی اعم از بیمه شدگان، مستمری بگیران و وابستگان آنان با رشدی معادل ۲/۰ درصد نسبت به سال ۱۳۸۱ به حدود ۲۸ میلیون نفر رسید.

سازمان بیمه خدمات درمانی که تحت پوشش وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است، کارکنان دولت و افراد تحت پوشش آنها، روستائیان و خویش فرمایان را در مقابل هزینه های پزشکی بیمه می نماید.

در سال مورد بررسی تعداد افراد تحت پوشش سازمان بیمه خدمات درمانی با ۲/۹ درصد افزایش نسبت به سال قبل به ۳۷/۷ میلیون نفر بالغ گردید که حدود ۵۶/۵ درصد کل جمعیت کشور را پوشش داده است. از کل افراد تحت پوشش سازمان مذکور ۱۸/۴ درصد به کارکنان دولت و افراد تحت پوشش آنها، ۱/۵ درصد به «خویش فرمایان» (صاحبان مشاغل آزاد و مستقل)، ۳/۹ درصد به سایر اقشار، ۱۴ درصد مربوط به خویش فرمایان بستری شهری و ۶۲/۱ درصد نیز به روستائیان اختصاص داشت. همچنین با اجرای قانون بیمه همگانی در روستاهای کشور از سال ۱۳۷۷، کلیه روستائیان الزاماً تحت پوشش بیمه خدمات درمانی قرار گرفته اند.